

بازشناسی الگوی ارتباطی قاضی و ضابط قضائی در نظام رسیدگی کیفری

سید فاضل نوری*

نسترن آقایی^۱

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

چکیده

رسیدگی کیفری، بنابر تصریحات قانونی - از جمله قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری - صرفاً به عهده مقامات قضایی است. این مقامات برای انجام وظایف قانونی، از کمک و همکاری ضابطان قضائی بهره می‌برند. در کنار این وضعیت، نقش عنصر «کشف جرم» در ارتباط قاضی و ضابط، بسیار بااهمیت است. کشف جرم که نقطه آغازین رسیدگی‌های کیفری است، از سویی، از وظایف قوه قضاییه دانسته شده است (بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) و از سوی دیگر وظایف ضابطان قضائی، به ویژه ضابطان عام دادگستری و نظامی در ماده‌های ۲۸ و ۶۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است و از سوی سوم به اقتضای سطح تماس و برخورداری از امکانات، کمک به مقامات قضایی در توان ضابطان می‌باشد و از چهارمین سو ضابطان باید وظایف مقرر قانونی و وظایف محوله قضائی را تحت نظارت و تعلیمات مقام قضائی انجام دهند. (همان مواد از قانون آیین دادرسی کیفری) در این منظومه است که مدل ارتباطی قاضی و ضابط اهمیت می‌یابد. در این ارتباط، دو الگو وجود دارد. مدل شبکه‌ای (افقی) و مدل سلسله مراتبی (عمودی). این مقاله در صدد بازشناسی مدل مطلوب قانونگذار و کیفیات مورد نظر وی می‌باشد که بر اساس آن معلوم می‌شود دغدغه‌های برخی مسئولان عالی قضائی و حتی مقام رهبری، راجع به نحوه تعامل قاضی و ضابط و احیاناً ضایعه معکوس بودن رابطه تعاملی مذکور، ناشی از عدم رعایت مدل مطلوب قانونگذار است.

کلیدواژه‌ها: ضابط قضائی، نظارت قضائی، کارت ضابطیت، مدل ارتباطی سلسله مراتبی و شبکه‌ای، نقطه نظرات مسئولان قضائی راجع به رابطه تعاملی قاضی و ضابط.

Email: 210noori@gmail.com

*. عضو هیأت علمی پژوهشکده حقوق و قانون ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: nastaran.aghaee77@gmail.com

۱. پژوهشگر پژوهشکده حقوق و قانون ایران، تهران، ایران

نظام کیفری ایران، در قالب مراحل پنجگانه کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیق مقدماتی، صدور رای و اجرای احکام، تبلور یافته است. گزاره‌های دیگری که در ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مذکور است، در ضمن مراحل مذکور می‌گنجد. بنابر این کشف جرم نقطه آغازین رسیدگی‌های کیفری است. این امر در وهله اول بر عهده قوه قضائیه است لکن نیروی انتظامی به عنوان یکی از مصادیق ضابطان قضائی و به صورت تبعی وظیفه کشف جرم را بر عهده دارد و این وظیفه را باید تحت نظارت و تعلیم مقام قضائی انجام دهد. نقش ضابط در سازمان رسیدگی‌های کیفری ایران نقشی گسترده و فراگیر است به نحوی که از مرحله کشف جرم شروع شده و در بسیاری از مجازات‌های تعیینی از سوی سیستم رسیدگی کیفری، با اجرای آن مجازات پایان می‌یابد. حتی در مواردی که مسئله کشف جرم مطرح نیست بلکه جرم مشهود به وقوع می‌پیوندد، نقش و وظایفی بر عهده ضابطان قرار داده شده است. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و دیگر مأموران حسب مورد، نقش و وظایف مذکور را تحت عنوان شناخته شده در قانون آیین دادرسی کیفری که عبارت است از «ضابط» بر عهده دارند. در دکتترین حقوقی برای ضابطان دادگستری تقسیم‌بندی‌های متفاوتی ذکر شده است. به عنوان مثال برخی ضابط را به سه دسته، ضابطان عام، خاص و نظامی تقسیم کرده‌اند. (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۳۶) برخی دیگر یک قسم با عنوان ضابط اداری هم به این تقسیمات اضافه کرده‌اند. (منصورآبادی و فروغی، ۱۳۹۶: ۴۵) نگارندگان این مقاله بر اساس قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ عنوان اصلی ضابطان قضایی را به ضابطان دادگستری و ضابطان نظامی و هریک را نیز به ضابطان عام و خاص قابل تقسیم می‌دانند. بر همین اساس نحوه و نوع ارتباط پلیس به عنوان ضابط با مقامات دادرسی و دادگاه به عنوان مقامات قضائی و متولیان اصلی وظایف تعیین شده در قانون آیین دادرسی کیفری، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در نتیجه مدل ارتباطی آنان مشخص شود. اهمیت بررسی مدل ارتباطی میان قاضی و ضابط ناشی از آن است که عالی‌ترین مقامات رسمی کشور، نظیر ریاست قوه قضائیه و حتی مقام رهبری، در مواردی از ضرورت اصلاح روابط میان قاضی و ضابط سخن گفته و بر آن تاکید کرده‌اند. (سایت رهبری، کد خبر: ۵۰۵۳۹)، (خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۱۴۰۱۰۴۱۴۰۹۸۳۳)

با توجه به مراتب فوق این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که: مدل ارتباطی ضابط و قاضی در نظام کیفری ایران از چه مدلی پیروی می‌کند؟ به منظور پاسخ به این پرسش ابتدا

اشاره‌ای به مفهوم دو مدل ارتباطی سلسله مراتبی و شبکه‌ای می‌شود و پس از آن کیفیات و مختصات مدل ارتباطی مورد پذیرش قانون‌گذار ذکر می‌شود.

۱. مدل‌های ارتباطی

برای ارتباط کاری مرجع قضائی و ضابطان قضائی با یکدیگر، دو مدل متصور است که در ادامه مطرح می‌شود.

۱-۱. مدل ارتباطی سلسله مراتبی

در ارتباط سلسله مراتبی تأکید بر روابط عمودی و به صورت آبشاری است، به این صورت که یکی از سازمانها متولی تصمیم‌گیری از بالا به پایین برای سازمان دیگر نیز هست. رابطه سلسله مراتبی مثل هرم و به این صورت است که در آن یک سازمان به سازمان دیگر وابسته است. در این مدل مدیران باید فعالیت تابعان خود را هدایت کنند و تابعان وظیفه پاسخگویی به شخص بالاتر را دارند. در این مدل محدوده دقیق حوزه اقتدار هر مقام مشخص است. موقعیتهای مافوق و مادون باید به دقت تعریف و خالی از ابهام باشد. (شیدائیان و عبداللهی نیسانی، ۱۳۹۸: ۴-۶)

در خصوص موضوع این مقاله، قابل تصریح است که با توجه به وظایفی که در نظام کیفری رسیدگی ایران برای مراجع قضائی در حقوق موضوعه تدوین شده است، مدل مذکور (سلسله مراتبی) مطلوب است. همین امر باعث حرکتی جهت تشکیل پلیس قضائی از دهه‌ها پیش تا کنون بوده است.

۱-۲. مدل ارتباطی شبکه‌ای

در ارتباط شبکه‌ای سازمان‌ها بدون اینکه برای یکدیگر تصمیم بگیرند، نیازمند همکاری با یکدیگر برای دست‌یابی به اهداف خود هستند. شبکه‌ها، مراجعی خودمختار هستند که در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند. هیچ‌یک بر دیگری حاکمیت ندارد و از یکدیگر دستور نمی‌گیرند. به عبارت دیگر کنشگران دارای موقعیتی به نسبت برابر هستند. در مدل شبکه‌ای، ارتباط یک امر داوطلبانه است



و هدف رسیدن به مناسب ترین تصمیم برای شرایط هر مورد است. (مهدوی ثابت، خلیل صالحی، شیدائیان، ۱۳۹۸: ۲۱۵-۲۱۷)

۲. رابطه سلسله مراتبی ضابط و قاضی

ساختار نهاد دادرسی در ایران، که عهده دار تعقیب متهم و تحقیق در باره جرم می باشد، به صورت سلسله مراتبی است که در رأس آن دادستان قرار دارد. این رابطه سلسله مراتبی در خود دادرسی منحصر نشده و به روابط بین دادرسی و پلیس هم سرایت دارد؛ به این صورت که کشف جرم، تعقیب شخص متهم به ارتکاب جرم و انجام تحقیق راجع به جرم ارتكابی، از وظایف دادرسی است لکن پلیس به عنوان ضابط قضایی، مباشر و بازوی اجرایی مقامات دادرسی در انجام امور مذکور است.

این ارتباط سلسله مراتبی، بر محور وظایف قانونی تعیین می شود نه بر محور سمت مقامات قضایی. به این معنا که صرف دادستان و بازپرس بودن یا قاضی دادگاه جزائی بودن، سبب و موجب قانونی رابطه سلسله مراتبی بین آنان و پلیس نیست بلکه وظایف مرتبط با کشف جرم و انجام دستورات قضایی راجع به آن و راجع به تعقیب متهم و اجرای مجازات، سبب و موجب قانونی برای وجود رابطه سلسله مراتبی مذکور است. لذا به رغم اینکه ضابط باید تحت نظارت و آموزش دادستان به عنوان مرجع عام نظارت، وظایف محوله قانونی را انجام دهد، باید همان گونه که انجام دستورات مقامات دادرسی بر محور امور مذکور را انجام می دهد، دستورات مقامات دادگاه را نیز - در مواردی که رسیدگی کیفری، بدون مرحله دادرسی مستقیماً در دادگاه انجام می شود - بر محور امور مذکور به انجام برساند.

اقدامات این ضابطان باید تحت نظارت مقامات قضایی مذکور حسب مورد و با آموزش های ارائه شده باشد. بنابراین سلسله مراتب در اینجا این گونه معنا می شود که نظارت و آموزش از بالا به پایین می باشد و اجرای دستورات و گزارش نتیجه اقدامات از پایین به بالا می باشد که بدین گونه است که رابطه سلسله مراتبی شکل می گیرد.

در خصوص لزوم و ثمره نظارت مقام قضائی بر ضابط گفته شده: «برای اینکه بتوانیم اعمال کارگزاران دولت را تحت لوای اصل حاکمیت قانون درآوریم باید اعمال کارگزاران توسط نهادهای

کنترل شود که وظیفه ذاتی و اصلی آن، اعمال قانون و مقابله با قانون شکنی باشد. در نتیجه امروزه نظارتی به نام «نظارت قضایی» مورد پذیرش قرار گرفته است. (موزن زادگان و غلامی، ۱۳۹۵: ۱۹۳)

۳. رابطه شبکه‌ای ضابط و قاضی

گویه‌های مبنی بر پیشنهاد الگوی جدید برای روابط دادسرا و پلیس وجود دارد مبنی بر اینکه رابطه سلسله مراتبی بین آنان که رابطه‌ای عمودی است، تبدیل شود به رابطه شبکه‌ای که رابطه‌ای افقی است. به این نحو که دادسرا و پلیس دو سازمان همتراز بوده و بین آنان تقسیم وظایف شده و صرفاً تعامل باشد. رابطه آمر و مأموری وجود نداشته باشد.^۱ این مدل پیشنهادی ارتباطی، صرفنظر از تبعات آن بر خلاف قانون اساسی و نیز بر خلاف قوانین عادی می‌باشد. زیرا بر اساس این مدل، کشف جرم به طور کامل بر عهده پلیس خواهد بود؛ در حالی که در قانون اساسی به صراحت کشف جرم در زمره وظایف قوه قضاییه پیش بینی شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری، نیز کشف جرم به عنوان یکی از اهداف تشکیل دادسرا، ذکر شده است. البته در این قانون و نیز در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، کشف جرم به عنوان یکی از وظایف ضابطان نیز ذکر شده است. معنای این وضعیت تقنینی این است که وظیفه کشف جرم، در وهله اول بر عهده قوه قضاییه است لکن پلیس به عنوان ضابط قضائی و به صورت تبعی وظیفه کشف جرم را بر عهده دارد و این وظیفه را باید تحت نظارت و تعلیم مقام قضائی انجام دهد.

ایراد مهم دیگری که متوجه مدل ارتباط افقی و شبکه‌ای ضابط و قاضی می‌باشد، عبارت است از تضییع حقوق متهمین. این ایراد به صورت احتمال مطرح نیست بلکه امری حتمی است که حتی شاید نیاز به تحقیقات میدانی نباشد. تا جایی که در شرایط فعلی که مدل ارتباط، سلسله مراتبی است، در مواردی در مرحله کشف جرم، حقوق متهمین مورد تعرض قرار می‌گیرد تا جایی که قانون‌گذار سال ۱۳۹۲ رویکرد شدید و گسترده‌ای در قانون آیین دادرسی کیفری به حقوق متهم اتخاذ کرده است. حال اگر قرار باشد که متولیان و مجریان قانون، سایه آمریت و نظارت و آموزش

۱. نک: زینب شیدائیان، مؤلفه‌های مدل مطلوب روابط دادسرا و پلیس در نظام دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰، ص ۲۴۶-۲۴۸.

خود را که در قانون مقرر شده است، از عملکرد نیروی کاشف جرم، بردارند به نحوی که آنان خود را در امر کشف جرم مبسوط الید و مستقل و فارغ از هر نظارت قضایی ببینند، تزییع حقوق متهم به نحو چشمگیری تشدید خواهد شد.

برای تبیین بهتر مطلب فوق باید به این نکته توجه داشت که مرحله کشف جرم، صرفاً مرحله دستگیری متهم نیست بلکه فرایندی است که یکی از اجزای آن دستگیری متهم می‌تواند باشد. در همین مرحله است که هسته اولیه فرایند قضایی منعقد شده و شکل می‌گیرد. نوزاد و مخلوقی که از این هسته اولیه متولد خواهد شد، نمی‌تواند بیگانه با نحوه شکل‌گیری اولیه آن باشد. در نتیجه قبول رابطه عرضی به جای رابطه طولی به این معنا خواهد بود که در رسیدگی‌های کیفری همواره امر قضایی از امر انتظامی متأثر و تاثیر پذیر باشد. بدیهی است که چنین حالتی فاصله‌ای بسیار از کشف حقیقت و اجرای عدالت دارد.

۴. دغدغه رابطه معکوس قاضی و ضابط در نگاه رهبری و مسئولان

عالی قضائی

نگارندگان این مقاله، نحوه رابطه قاضی و ضابط را بر اساس مدل‌های ارتباطی و مدل مستفاد از حقوق موضوعه - در اینجا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ - مدنظر و مورد بررسی قرار دادند؛ اما شاید دغدغه‌هایی که در کلام رهبری و مسئولان عالی قضایی در مقاطع مختلف زمانی در این باره آمده است، منصرف از الزامات قانونی مذکور باشد در این صورت می‌تواند روایت‌کننده رابطه تعاملی غلط قاضی و ضابط باشد و یا اینکه حداقل متکفل و متضمن هشدار در این خصوص باشد. برخی از این سخنان نقل می‌شود.

۱. ۴. از کلام رهبری

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با ایشان گفتند: «بر رفتار ضابطین باید مراقبت و نظارت شود که در حق متهم زیاده‌روی یا تندروی نشود. دستگاه قضایی نیز نباید تحت تأثیر ضابط باشد بلکه باید به صورت مستقل به مسائل رسیدگی کند. البته نظرات کارشناسی ضابطان نیز نادیده گرفته نشود.» (سایت رهبری، کد خبر: ۵۰۵۳۹)

۲. ۴. از کلام رئیس پیشین قوه قضائیه

سید ابراهیم رئیسی، رئیس سابق قوه قضائیه نیز در دیدگاهی مشابه دو بار در سخنان خود در جلسه مسئولان قضایی تاکید کرده است که: «قاضی باید حاکم بر ضابط باشد و ضابط باید از قاضی تبعیت کند» (انصاف نیوز، کد خبر: ۳۰۹۲۲۱)

۳. ۴. از کلام رئیس فعلی قضائیه

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در جمع قضات دادسرای ویژه جرائم امنیتی در تاریخ ۱۴۰۱/۴/۱۴ گفت: «مسئولان ذی صلاح قضایی و مشخصاً مقامات دادسرا باید ضمن بهره‌گیری از تخصص، امکانات و مسئولیت‌های قانونی ضابطین در امر خطیر کشف جرم و تعقیب متهم، بر این نکته مهم توجه داشته باشند که مسئول رسیدگی قضایی به پرونده شخص قاضی است و اوست که شرعاً و عرفاً پاسخگوی پرونده می‌باشد؛ بر همین مبنا، ضابط باید در کنار قاضی قرار گیرد و کمک کار او در سیر رسیدگی به پرونده باشد.» همچنین متذکر شد: «از مسائلی نظیر عدم صورت جلسه ضابط پیرامون انجام مراحل مختلف بازرسی به سادگی عبور نکنند و چنانچه یک ضابط پس از اجازه مقام قضایی و با رعایت موازین قانونی، اقدام به بازرسی و یا ضبط اشیایی از متهم کرد و نسبت به صورت جلسه کردن آن، اقدام لازم را ترتیب نداد، موضوع را به صورت دقیق پیگیری کنند؛ چرا که عدم صورت جلسه موارد بازرسی از ناحیه ضابط زمینه‌ساز مشکلات و فساد بوده و برای خود ضابط نیز خطرناک است.» وی در ادامه می‌گوید: «باید از ضابط بخواهیم تا آنجایی که مقدور است قبل از مرحله بازرسی و جلب فرد، نسبت به جمع‌آوری ادله، اسناد و مدارک ناظر بر انتساب اتهام به فرد، اقدام کند و حتی الامکان نباید ابتدا فرد را بازداشت و سپس نسبت به تحصیل ادله اتهامی اقدام کرد.» (خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۱۴۰۱۰۴۱۴۰۹۸۳۳)

۵. ضابطان قضائی

در ادامه این مقاله انواع ضابط و وظایف آنان و نحوه تعامل آنان با دستگاه قضایی بر اساس قوانین آمره مورد بررسی قرار می‌گیرد تا معلوم شود از دیدگاه مقنن کدام مدل ارتباطی باید در تعامل بین قاضی و ضابط انتخاب و اتخاذ شود.

ضابطان قضائی دو دسته هستند: ۱- ضابطان دادگستری. ۲- ضابطان نظامی. قانون‌گذار هردو دسته را در تعریفی مشابه در ماده‌های ۲۸ و ۶۰۲ ق^۱ معرفی کرده است. ضابطان مذکور خود به عام و خاص تقسیم می‌شوند که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. ۵. اقسام ضابط قضائی

ضابطان قضائی به دو دسته ضابطان دادگستری و ضابطان نظامی تقسیم می‌شوند. معمولاً فقط ضابطان دادگستری را به ضابطان عام و ضابطان خاص تقسیم می‌کنند. بندهای الف و ب ماده ۲۹ ق بر این تقسیم صراحت دارد؛ اما ملاحظه ماده ۶۰۳ ق و مقایسه تبصره ۱ این ماده با بند ب ماده ۲۹ ق حکایت از این دارد که ضابطان نظامی هم به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند. (خالقی، ۱۳۹۷: ۶۲۸) بنابراین ضابطان چهار دسته هستند. در ادامه اقسام ضابط را مورد بررسی قرار می‌دهیم. البته در خصوص ضابطان نظامی با توجه به تشابه احکام قانونی آنان با ضابطان دادگستری، بحث مختصری مطرح خواهد شد.

۱. ۱. ۵. ضابطان عام دادگستری

با توجه به تعریفی که در ماده ۲۸ و ۲۹ ق راجع به ضابطان دادگستری و دو قسم آن آمده است، می‌توان گفت ضابطان عام دادگستری، مامورانی هستند که در قبال همه جرایم مسئول هستند. این ضابطان عبارتند از فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی که آموزش مربوط را گذرانده باشند (بند الف ماده ۲۹ ق) و کارت ضابطیت را دریافت کرده باشند. (م ۳۰ ق)

یکم: مصادیق ضابط عام دادگستری

فقط سه گروه فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی، ضابط عام دادگستری هستند. سایر وابستگان به نیروی مذکور اعم از پرسنل اداری، کارکنان وظیفه عادی (سرباز) یا کارکنان وظیفه درجه دار، ضابط محسوب نمی‌شوند. (تبصره م ۲۹ ق) و به طریق اولی افرادی چون پلیس

۱. در این مقاله، حرف «م» نشانه اختصاری ماده می‌باشد و حرف «ق» نشانه اختصاری قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد.

افتخاری یا پلیس محلی^۱ ضابط دادگستری نیستند.^۲ البته در زمان حاکمیت قانون سابق، برخی افراد بدون توجه به صدر ماده ۱۵ همه پرسنل نیروی انتظامی را ضابط تلقی می‌کردند که ماده ۲۸ قانون جدید این مشکل را برطرف کرده است. (مصدق، ۱۳۹۳: ۱۳۷)

دوم: شرایط ضابط عام دادگستری

ضابط باید سه شرط به قرار زیر را دارا باشد. (م ۳۰ ق)

۱- وثاقت و مورد اطمینان بودن.

۲- فراگیری مهارت‌های لازم زیر نظر مرجع قضایی.

۳- تحصیل کارت ویژه ضابط.

ضمانت اجرای شرط تحصیل کارت ضابطیت دو امر است: ۱- بی اعتباری تحقیقات و اقدامات ماموری که فاقد کارت ضابطیت می‌باشد ۲- انفصال از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال برای مامورانی که بدون اخذ کارت ضابطیت اقدام کنند. (م ۶۳ ق). این ضمانت اجراء، شامل شرط فراگیری مهارت‌ها هم می‌شود زیرا تا وقتی که شخص با طی دوره‌های مهارت آموزی، مهارت لازم را تحصیل نکرده باشد، کارت ضابطیت هم ندارد و اقدام وی در این صورت مشمول ماده ۶۳ ق است.

سوم: صلاحیت ضابط عام دادگستری

ضابطان عام، صلاحیت عام دارند یعنی اصل این است که برای اقدام نسبت به تمام جرائم صلاحیت دارند. بنابر این صلاحیت ضابطان عام، فراگیر و عام است یعنی صلاحیت اقدام نسبت به تمام جرائم را دارند مگر آنچه در حوزه وظایف ضابطان خاص است.

از آنجایی که اصل بر صلاحیت ضابط عام است و صلاحیت ضابطان خاص استثنایی است، اگر در موردی شک داشته باشیم که آیا ضابط عام باید اقدام کند یا اینکه وظیفه ضابط خاص است،

۱. تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته: نیروی انتظامی به منظور بهره‌گیری از مشارکتهای مردمی در تحکیم و توسعه نظم و امنیت اجتماعی می‌تواند عده‌ای را به عنوان پلیس افتخاری از بین افراد داوطلب واجد صلاحیت، انتخاب و پس از آموزش و سازماندهی لازم، با عناوینی چون پلیس محلی به کار گیرد. چگونگی اجرای این تبصره به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط نیروی انتظامی با هماهنگی وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و از طریق ستاد کل به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۱۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز همین امر است.

باید آن امر مشکوک را بر عهده ضابط عام دانست. مثلاً اگر زندانی در خارج از زندان مرتکب جرمی شود، مثل اینکه در حین انتقال به مرجع قضایی یا انتقال به زندان دیگر یا در زمان مرخصی تحت الحفظ، مرتکب جرم شود و لازم باشد ضابط در این خصوص تحقیقاتی را انجام بدهد این تحقیقات به ضابط عام ارجاع می‌شود.

۲.۱.۵. ضابطان خاص دادگستری

ضابطان خاص دادگستری، مقامات و مامورانی هستند که به موجب قوانین خاص به عنوان ضابط دادگستری شناسایی می‌شوند. (بند ب ماده ۲۹ق)

یکم: مصادیق ضابط خاص دادگستری

برخی از ضابطان خاص دادگستری در بند ب ماده ۲۹ق به صورت تمثیلی ذکر شده‌اند لکن منحصر به اینها نیست بلکه موارد زیاد دیگری در قوانین دیگر به عنوان ضابط خاص شناخته شده‌اند. بیشتر مواردی که در قوانین دیگر به عنوان ضابط خاص شناسایی شدند و مواردی که در قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان ضابط خاص معرفی شده‌اند، به شرح زیر نام برده می‌شود.

۱- فرمانده هواپیما نسبت به جرایم ارتكابی درون هواپیما. (ماده ۳۲ قانون هواپیمایی کشور مصوب ۱۳۲۸)^۱

۲- بازرسان ویژه وزارت بهداری. (ماده ۲۰ قانون اصلاح منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸)^۲

۱. ماده ۳۲ - در موردی که جنحه یا جنایاتی داخل یک هواپیما که بر فراز ایران پرواز می‌کند یا داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود فرمانده هواپیما مکلف است تا زمانی که مداخله مأمورین صلاحیتدار میسر باشد طبق مقررات قانون اصول محاکمات جزایی تفتیشات و تحقیقات مقدماتی را به عمل آورده دلائل و مدارک جرم را جمع‌آوری و تأمین نماید و در صورت لزوم می‌تواند موقتاً مظنونین به ارتکاب جرم را توقیف کند مسافرین و اعضای هیأت رانندگی را تفتیش و اشیایی را که ممکن است دلیل جرم باشد توقیف نماید. در مورد این ماده فرمانده هواپیما برای تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی از ضابطین دادگستری محسوب می‌شود و کلیه وظایفی را که به موجب فصل دوم قانون اصول محاکمات جزایی برای کمیسره‌های شهربانی مقرر است عهده‌دار می‌باشد.

۲. ماده ۲۰ - از نظر اجرای مقررات این قانون در هر نقطه که وزارت بهداری مقتضی بداند می‌تواند موضوع را به مأمورین گارد مسلح گمرک و یا مأمورین مرزبانی و یا بازرسان مخصوص وزارت بهداری ارجاع نماید در این صورت مأمورین مذکور مانند مأمورین ژاندارمری و شهربانی ضابط دادگستری محسوب و به ترتیب مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری تحت تعلیمات دادستان محل باید انجام وظیفه نمایند.

- ۳- ماموران سازمان آب و برق. (تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون سازمان آب و برق مصوب ۱۳۴۶ و ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱)^۱
- ۴- ماموران جنگلبانی. (ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها مصوب ۱۳۴۶)^۲
- ۵- ماموران انتظامی راه‌آهن. (ماده ۷ قانونی ایمنی راهها مصوب ۱۳۴۹)^۳
- ۶- ماموران منابع طبیعی و وزارت کشاورزی. (ماده ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت مصوب ۱۳۵۲)^۴
- ۷- ماموران شکاربانی. (ماده ۱۹ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳)^۵

۱. تبصره ۲ ماده ۱۰ - گزارش کارکنان وزارت آب و برق که به موجب ابلاغ مخصوص وزیر آب و برق انتخاب و به دادرها معرفی می شوند ملاک تعقیب متخلفین و در حکم گزارش ضابطین دادگستری خواهد بود و تعقیب این متخلفین طبق بند ب از ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری به عمل خواهد آمد.

ماده ۳۰ - گزارش کارکنان وزارت نیرو و مؤسسات تابعه و کارکنان وزارت کشاورزی (بنا به معرفی وزیر کشاورزی) که به موجب ابلاغ مخصوص وزیر نیرو برای اجرای وظایف مندرج در این قانون انتخاب و به دادرها معرفی می شوند ملاک تعقیب متخلفین است و در حکم گزارش ضابطین دادگستری خواهد بود و تعقیب متخلفین طبق بند ب از ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری به عمل خواهد آمد.

۲. ماده ۵۴- مأمورین جنگلبانی که به موجب احکام سازمان جنگلبانی مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در این قانون می شوند در ردیف ضابطین دادگستری محسوب و از این حیث تحت تعلیمات دادستان محل انجام وظیفه خواهند نمود.

۳. ماده ۷- هر گاه در طول خطوط راه آهن از طرف رانندگان وسائل نقلیه راه آهن بر اثر رانندگی وسائل مزبور قتل یا جرح یا ضرب واقع شود باید وسیله نقلیه متوقف گردد و ضمن مبادرت به کمکهای نخستین در مورد مجروحین و مصدومین صورت مجلس در محل حادثه به وسیله مأمورین انتظامی راه آهن و مأمورین مربوط راه آهن تنظیم و پس از تحقیقات اولیه از راننده و مطلعین در صورتی که به سبب حادثه جسد یا اجسام دیگری روی خطوط راه آهن قرار گرفته و مانع عبور قطار و وسایل نقلیه راه آهن باشد مأمورین پلیس انتظامی راه آهن آن را به محاذات محل به خارج خط در نقطه مناسبی انتقال داده و بلافاصله قطار و وسیله نقلیه را حرکت دهند.

مأمورین پلیس انتظامی راه آهن موظفند آثار و علائم موجود را در محل حادثه حفظ کرده و مراتب را در صورت وقوع قتل فوراً به مقامات قضایی برای حضور و انجام تشریفات قانونی گزارش دهند.

۴. ماده ۱۰ - گزارش مأموران وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و سایر مأموران دولتی و شهرداریها، مأمور اجرای این قانون که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص تحت نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند، در این موارد به منزله گزارش ضابطین دادگستری است.

۵. ماده ۱۹ - مأمورین شکاربانی که از طرف سازمان شکاربانی مأمور کشف و تعقیب جرائم فوق الذکر می شوند در صورتی که وظائف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می شوند.

ماده ۱۵ - مأمورین سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرائم فوق الذکر می شوند در صورتی که وظائف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می شوند.

- ۸- بازرسان سازمان تامین اجتماعی. (ماده ۱۰۲ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴)^۱
- ۹- ماموران شهرداری. (ماده ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز مصوب ۱۳۵۹)^۲
- ۱۰- ماموران گارد بنادر و گمرکات. (ماده ۱۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴)^۳
- ۱۱- ماموران سازمان قند و شکر. (ماده واحده لایحه قانونی راجع به مأمورین سازمان قند و شکر که مأمور کشف و تعقیب جرائم مربوط به اخلاص کنندگان در امر عرضه، توزیع و یا فروش قند و شکر می‌شوند مصوب ۱۳۵۹)^۴
- ۱۲- هیأت‌های اجرایی انتخابات. (ماده ۴۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴ و ماده ۳۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸)^۵
- ۱۳- بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار. (ماده ۱۰۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹)^۶

۱. ماده ۱۰۲- در صورتی که کارفرما یا نماینده او از اقدامات بازرسان سازمان جلوگیری نموده یا از ارائه دفاتر و مدارک مربوط و تسلیم رونوشت یا عکس آنها به بازرسان خودداری کند به جزای نقدی از پانصد ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد گزارش بازرسان سازمان در این خصوص در حکم گزارش ضابطین دادگستری است.

۲. ماده ۱۰- گزارش مأموران وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و سایر مأموران دولتی و شهرداریها مأمور اجرای این قانون که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص تحت نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند در این موارد به منزله گزارش ضابطین دادگستری است.

۳. ماده ۱۲- مأمورین سازمان بنادر و کشتیرانی که از طرف سازمان مزبور کشف و تعقیب جرائم در این قانون می‌شوند در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته و موفق به دریافت گواهی لازم از دادستان شده باشند از لحاظ اجرای این قانون در حدود وظایف قانونی خود در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند. رسیدگی به جرائم مندرج در این قانون تا زمانی که دادگاههای اختصاصی مقرر در قانون دریایی ایران تشکیل نگردیده در صلاحیت دادگاه جنحه خواهد بود.

۴. ماده واحده: از آنجا که تهیه و توزیع قند و شکر در سطح کشور به عهده سازمان قند شکر است به منظور تأمین این وظیفه و تسهیل اجرای قوانین جزایی مصوب در مورد اشخاصی که به نحوی از انحاء از طریق احتکار گرانفروشی، کم‌فروشی یا سایر عناوین قانونی در امر عرضه، توزیع یا فروش قند و شکر با نرخیهای مصوب اخلاص می‌کنند مأمورین سازمان قند و شکر که بر حسب احکام سازمان مزبور مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در قوانین جزایی مربوطه می‌شوند در ردیف ضابطین دادگستری محسوب و از این حیث تحت تعلیمات دادستان محل انجام وظیفه خواهند کرد.

۵. هیأت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه پس از تعیین محل‌های استقرار شعب ثبت نام و اخذ رأی در مرکز حوزه انتخابیه و بررسی و تأیید و تصویب مصوبات هیأت‌های اجرایی فرعی در مورد تعداد و محل شعب ثبت نام و اخذ رأی نه روز قبل از روز اخذ رأی مبادرت به انتشار آگهی انتخابات حاوی تاریخ برگزاری انتخابات، ساعات اخذ رأی، شرایط انتخاب کنندگان، جرائم و تخلفات و مقررات جزایی و محل شعب ثبت نام و اخذ رأی در سراسر حوزه انتخابیه می‌نمایند.

۶. گزارش بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار در موارد مربوط به حدود وظایف و اختیاراتشان در حکم گزارش ضابطین دادگستری خواهد بود.

۱۴- بازرسان و کارشناسان موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی. (تبصره ۴ ماده ۹ و ماده ۱۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱)^۱

۱۵- پزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی. (ماده ۱ قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب ۱۳۷۲)^۲

۱۶- فرمانده کشتی. (م ۸۵ مکرر ۶ از قانون دریایی ایران، اصلاحی ۱۳۹۱)^۳

۱۷- رؤسا و معاونان و ماموران زندان نسبت به امور زندانیان. (بند ب ماده ۲۹ ق). گفته شده این ضابطان خاص فقط نسبت به امور زندانیان و در داخل زندان^۴ به عنوان ضابط خاص دادگستری می‌باشند. بنابر این اگر جرمی در زندان توسط زندانی واقع شود وظیفه اعلام آن به دادستان و انجام دستورات دادستان و بازپرس در آن خصوص، به عهده همین ضابطان خاص است و قاضی نمی‌تواند در این خصوص از ضابطان عام استفاده کند. در نقطه مقابل هم موضوع از همین قرار است یعنی اگر جرمی در خارج از زندان حتی توسط زندانی رخ دهد، خارج از حیطه وظایف و

۱. تبصره ۴ ماده ۹ - مؤسسه می‌تواند علاوه بر اعلام جرم و درخواست تعقیب متخلفین موضوع این ماده از مراجع قضایی، فرآورده‌های خارج از استاندارد و فاقد علامت استاندارد را از مراکز تولید، تمرکز، توزیع و فروش جمع‌آوری و توقیف نموده و به منظور جلوگیری از ادامه تولید این گونه فرآورده‌ها، ابزار، ماشین آلات و وسایل تولید مربوط را موقتاً لاک و مهر نمایند.

ماده ۱۳- بازرسان و کارشناسان مؤسسه مجاز هستند به دستور مؤسسه به محل‌های تولید، بسته‌بندی تمرکز عرضه و فروش کالاها و یا خدمات مشمول استانداردهای اجباری وارد شده و به بازرسی و نمونه‌برداری بپردازند.

مسئولین واحدهای تولیدی و خدماتی و محل‌های عرضه و فروش کالاهای مشمول استاندارد اجباری و یا سایر اشخاص چنانچه از ورود بازرسان و کارشناسان مؤسسه جلوگیری به عمل آورند و یا از انجام بازرسی و نمونه‌برداری ممانعت نمایند به حبس از ۵ ماه تا یک سال و جزای نقدی از پانصد هزارریال تا یک میلیون ریال با حکم محاکم صالحه محکوم خواهند شد.

۲. ماده ۱- به منظور انجام وظایف مشروح زیر سازمان پزشکی قانونی کشور که در این قانون به اختصار سازمان نامیده می‌شود زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد.

۳. چنانچه در کشتی جرمی رخ دهد، فرمانده کشتی موظف است تا زمانی که مداخله مقامات صلاحیتدار میسر شود، در مقام ضابط دادگستری و با رعایت قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات مربوط بدون هرگونه تاخیر اقدامات لازم را در جهت حفظ و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم انجام دهد و بی‌درنگ با استفاده از وسایل ارتباطی سریع، مراتب را به مقامات صلاحیتدار قضایی و بندری و حسب مورد نزدیکترین نمایندگی کنسولی و دیپلماتیک ایران در خارج از کشور اعلام و کسب تکلیف کند. فرمانده در صورت لزوم علاوه بر بازرسی مسافران و کارکنان و خدمه کشتی و ضبط اشیایی که ممکن است دلیل جرم باشند، مکلف است متهمان و مظنونان به ارتکاب جرم را تا زمان تسلیم آنان به مراجع و مقامات صلاحیتدار، با رعایت اصل سی و دوم (۳۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت نظر قرار دهد و در اولین فرصت گزارش جامعی از موضوع جرم و اقدامات انجام شده و نتایج آن تهیه و به همراه دلایل و مدارک به مراجع و مقامات صلاحیتدار تسلیم نماید.

۴. نک: علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۴۰۰، ص ۷۴، نکته ۳.

اختیارات این دسته از ضابطان خاص می‌باشد و باید ضابط عام نسبت به آن اقدام کند. مثل جرم فرار زندانی (موضوع تبصره م ۵۴۷ ق.ت) که ضابطان خاص مذکور تنها موظف به گزارش هستند. ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز بر بیش از این دلالتی ندارد.

۱۸- مأموران وزارت اطلاعات. بر اساس صدر بند ب ماده ۲۹ ق در صورت وجود قانون خاص و در حدود وظایف محول شده، مأموران وزارت اطلاعات ضابط خاص دادگستری هستند. در نتیجه ضابط بودن مأموران وزارت اطلاعات منحصر به سه^۱ مورد است که از این قرار است: ۱- فساد مالی کلان. (تبصره ۱ م ۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹)^۲ ۲- قاچاق سازمان یافته مواد مخدر. (م ۴۴ قانون مبارزه با مواد مخدر)^۳ ۳- قاچاق کالا و ارز توسط گروه‌های سازمان یافته و شبکه‌های اصلی (م ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳)^۴

۱۹- مأموران سازمان اطلاعات سپاه. (بند ب ماده ۲۹ ق) ماده ۶ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲ این سازمان [که در زمان تصویب آن قانون، واحد اطلاعات

۱. مواردی هم در قوانین توسعه، به عنوان وظیفه ضابطیت برای وزارت اطلاعات آمده است که از این قرار است: ۱- مفاسد کلان اقتصادی. (بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه پنجساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱) به نظر این می‌رسد به جای این مقرر قانونی، تبصره ۱ م ۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ مقرر شده است. ۲- سرقت میراث فرهنگی. (بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه پنجساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱) ۳- پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرائم سازمان یافته ضدامنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی در مقام ضابط دادگستری. (بند ب ماده ۲۰۵ برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵) لکن با توجه به اینکه قانون‌های برنامه چهارم و پنجم توسعه که در بالا به آن اشاره شد منقضی شده است و حکم موارد مذکور در آنها در ارتباط با ضابطیت وزارت اطلاعات در قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ نیامده است، آن وزارتخانه را نسبت به سه مورد مذکور نمی‌توان ضابط دادگستری دانست.

۲. تبصره ۱ ماده ۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری: وزارت اطلاعات نیز در پرونده‌های فساد مالی کلان، ضابط قوه قضائیه محسوب می‌شود.

۳. ماده ۴۴ الحاقی در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۹ به قانون مبارزه با مواد مخدر: وزارت اطلاعات مکلف است ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی قاچاق سازمان یافته مرتبط با جرائم موضوع این قانون، در حوزه اختیارات قانونی نسبت به شناسایی و تعقیب آنها با حکم دادستان کل یا قاضی‌ای که او تعیین می‌کند اقدام و همچنین نسبت به ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذیصلاح نیز اقدام نماید.

۴. ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی موظفند با هماهنگی مرجع ذی صلاح قضایی، خود یا بنابر اعلام دستگاه کاشف، شبکه‌های اصلی، گروه‌های سازمان یافته قاچاق کالا و ارز و دارایی‌های آنها را شناسایی و اقدام به تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات نمایند.

سپاه نام داشت] را در خصوص گرفتن اطلاعات لازم از وزارت اطلاعات قبل از عملیات، ضابط قوه قضائیه محسوب کرده است.^۱

۲۰- نیروی مقاومت بسیج. (بند ب ماده ۲۹ ق) و ماده ۱ قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱.^۲

۲۱- سایر نیروهای مسلح در صورتی که وظیفه ضابطیت به آنان محول شود. (بند ب ماده ۲۹ ق)

۲۲- ماموران حفاظت گمرک‌های کشور حسب شرایط مقرر در ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲.^۳

۲۳- آمران به معروف و ناهیان از منکر. (ماده ۱۱ و تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۱۷ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴)^۴

۱ ماده ۶ قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران: واحد اطلاعات سپاه پاسداران وظایف زیر را بر عهده دارد:
۱- اطلاعات نظامی.

۲- گرفتن اطلاعات لازم از وزارت اطلاعات قبل از عملیات به عنوان ضابط قوه قضائیه.

۳- تحویل اخبار واصله امنیتی به وزارت اطلاعات.

۲. ماده ۱- به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود همانند ضابطین قوه قضائیه هنگام برخورد با جرائم مشهود، در صورت عدم حضور ضابطین دیگر و یا عدم اقدام به موقع آنها و یا اعلام نیاز آنان به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند. تبصره ۱- کلیه ضابطین دادگستری و مراجع نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلفند در صورت ارجاع گزارش و یا تحویل متهمین در جرائم مشهود از سوی مسئولین مجاز رده‌های مقاومت نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متهم را تحویل گرفته و گزارش بسیج را ضمیمه مدارک ارسالی به مراجع قضایی نمایند. تبصره ۲- تعیین رده‌های مقاومت مذکور در تبصره ۱ به عهده فرماندهی نیروی مقاومت بسیج میباشد. تبصره ۳- نیروی مقاومت بسیج سپاه، وظیفه فوق را از طریق افرادی که آموزشهای لازم را در این زمینه فرا گرفته و مجوز مخصوص را از نیروی‌مزبور دریافت نموده باشند اجرا خواهد کرد. نیروهای مذکور موظفند به هنگام برخورد با متهم مجوز مخصوص خود را در صورت مطالبه ارائه دهند.

۳. شرایط مقرر در ماده مذکور از این قرار است: ۱- برای حفاظت اماکن گمرکی و کالاهای موجود در آنها و امور اجرایی مبارزه با قاچاق.

۲- در محدوده اماکن گمرکی. ۳- با رعایت شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری.

۴. تبصره ۲ ماده ۱۷: تبصره (۳) ماده (۱) قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره ۳ ماده ۱۷: ستاد امر به معروف و نهی از منکر با همکاری سازمان بسیج مستضعفین برای مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر موضوع ماده (۴) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر برای افراد مورد نیاز از سازمان بسیج مستضعفین به عنوان ضابطان امر به معروف و نهی از منکر دوره آموزشی برگزار کند.



دوم: شرایط ضابط خاص دادگستری

ضابطان خاص باید شرایط سه گانه مذکور برای ضابط عام را دارا باشند. یعنی باید اولاً وثاقاً داشته و مورد اطمینان باشند. ثانیاً مهارت‌های لازم را زیر نظر مرجع قضایی یادگرفته باشند. ثالثاً کارت ویژه ضابط را تحصیل کرده باشند.

این شرایط سه گانه، عمومی است یعنی کلیت دارد و شامل همه ضابطان اعم از عام و خاص می‌باشد. لکن ضابطان خاص حسب مورد شرایط اختصاصی مربوط به خود دارند مثل شرط داشتن مجوز مخصوص برای ماموران نیروی مقاومت بسیج.

دلیل لزوم این سه شرط این است که وجود آنها برای ضابط دادگستری اعم از ضابط عام و ضابط خاص الزام قانونی دارد به این معنا که ماده ۳۰ آق این شروط را برای مطلق ضابط دادگستری مقرر کرده است و ضابط دادگستری عنوانی است که دو مصداق دارد یکی ضابطان عام و دیگری ضابطان خاص. فلسفه مقرر شدن شرایط مذکور نیز اقتضا می‌کند که شامل ضابط خاص هم باشد یعنی هدف قانون‌گذار این است که اقدامات و احیاناً تحقیقات قضایی توسط مامورانی کار آشنا و آموزش دیده انجام شود تا قابل اطمینان باشد و حقوق طرفین هم رعایت شود و ارزش اثباتی برای مراجع قضایی داشته باشد.^۱

سوم: صلاحیت ضابط خاص دادگستری

نتیجه ضابط خاص بودن این است که فقط در خصوص آنچه که ضابط هستند، می‌توان به آنان اقدام تحقیقی و تعقیبی را ارجاع داد. بنابر این صلاحیت ضابطان خاص استثنائی است. یعنی حسب تصریح قانون و در محدوده آنچه در آن قانون تصریح شده است صلاحیت دارند اعم از اینکه این تصریح قانونی در قانون خاص باشد یا در قانون عام مثل ق.آ.د.ک؛ کما اینکه چند مصداق در بند ب ماده ۲۹ این قانون آمده است. معنای استثنائی بودن صلاحیت ضابطان خاص این است که صلاحیت شان، خاص و محدود است. یعنی فقط نسبت به مواردی که قانون تصریح کرده باشد صلاحیت و مسئولیت دارند. به عبارت دیگر ضابطان خاص صلاحیت اقدام نسبت به هیچ جرمی

۱. در بند ۲ از بند ج ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه، قوه قضائیه نسبت به امر آموزش، این‌گونه موظف شده بود: «تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضائی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصصی آنان، تا پایان سال اول برنامه» تبصره این بند هم مقرر کرده بود: «کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی ضابط قوه قضائیه می‌باشند مکلفند با درخواست قوه قضائیه نسبت به اجرای آموزش‌های تخصصی مربوطه زیر نظر قوه قضائیه اقدام نمایند.»

را ندارند، مگر آنچه را قانون به عنوان وظیفه آنان تعیین کرده است. مثل صلاحیتی که برای روسا، معاونان و مأموران زندان در بند ب ماده ۲۹ مقرر شده است.

۳. ۱. ۵. ضابطان عام نظامی

طبق تعریف قانون گذار، ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط، به وظایف شمارش شده در قانون عمل می‌کنند. (م ۶۰۲ ق)

یکم: مصادیق ضابط عام نظامی

ضابطان نام برده در بندهای الف تا ت ماده ۰۳ق ضابط عام نظامی هستند. یعنی قانون گذار در بندهای مذکور مأموران و مقامات مشخصی را به صورت احصائی به عنوان ضابط عام نظامی معین کرده است، که از قرار زیر است.

الف - مأموران دژبان نیروهای مسلح.

ب - مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی.

پ - مأموران بازرسی و قضائی نیروهای مسلح.

ت - فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی.

دوم: شرایط ضابط عام نظامی

قانون گذار برای اینکه اشخاص مربوط بتوانند به عنوان ضابط نظامی شناسایی شوند، دو شرط ذکر کرده است: ۱- کسب مهارت‌های لازم. ۲- دریافت کارت ضابطیت. (م ۶۰۳ ق)

راجع به وجود وثاقت به عنوان یکی از شرائط احراز ضابطیت ضابطان نظامی، در قانون تصریحی وجود ندارد در حالی که راجع به ضابطان دادگستری وجود دارد (در ماده ۳۰ق). این عدم ذکر احتمالاً ناشی از غفلت قانون گذار است نه اینکه این شرط راجع به ضابطان نظامی منتفی باشد. این غفلت هم ناشی از الحاق چند بخش مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ (بخش‌های هشتم تا آخر) به قانون می‌باشد یعنی وقتی قانون گذار بخش‌های جدید را الحاق می‌کرد، می‌بایست ماده ۳۰ را هم اصلاح می‌کرد (مثلاً تعبیر ضابط دادگستری را به ضابط نظامی تغییر می‌داد) تا شرط وثاقت شامل ضابطان نظامی هم بشود، لکن غفلت کرده است. اما به هر حال عمومیت ماه ۳۶ق که برای اعتبار گزارش

ضابطان به صورت مطلق شرائطی ذکر کرده، شامل گزارش ضابطان نظامی هم هست ولو اینکه این مصداق بعد از تصویب ماده قانونی مذکور به قانون آیین دادرسی کیفری ملحق شده باشد.

سوم: صلاحیت ضابط عام نظامی

صلاحیت ضابطان عام نظامی همانند صلاحیت ضابطان عام دادگستری صلاحیتی عام است با این تفاوت که اختصاص به نیروهای نظامی دارد. (صبری، ۱۳۹۹: ۳۳۰) اما همه جرائم نیروهای نظامی الا آنچه به موجب قانون خاص در صلاحیت ضابط نظامی خاص قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر ضابطان نظامی در ارتباط با جرایم نظامی همان وظایفی را عهده دار هستند که ضابطان دادگستری در ارتباط با جرایم عمومی بر عهده دارند (رحمدل، ۱۳۹۴: ۳۷۱).

ضمناً به نظر می‌رسد منظور از کلمه نظامی اعم از انتظامی و دیگر نیروهای مسلح می‌باشد. انتخاب کلمه نظامی، در مواد قانون آیین دادرسی کیفری ظاهراً به تبع دادستان و دادگاه نظامی می‌باشد.

۴. ۱. ۵. ضابطان خاص نظامی

قانون‌گذار آن‌گونه که در باره ضابطان خاص دادگستری رفتار کرده است که آنها را تعریف کرده است (بند ب ماه ۲۹ق) نسبت به ضابط خاص نظامی رفتار نکرده است؛ لکن با توجه به مصادیق ضابطان خاص نظامی که در بندهای ث و ج ماده ۰۳عق و تبصره ۱ آن آمده معلوم می‌شود تعریف ضابط خاص نظامی مشابه تعریف ضابط خاص دادگستری است.

یکم: مصادیق ضابط خاص نظامی

ضابطان نام برده در بندهای ث و ج ماده ۰۳عق و تبصره ۱ آن، ضابط خاص نظامی هستند. البته با توجه به عبارت بند ج ماده ۰۳عق که قید «به موجب قوانین خاص» را به کار برده است، این موارد به صورت غیراحصائی می‌باشد. بنابر این ضابطان خاص حسب ماده و تبصره مذکور، به قرار زیر است.

۱- افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی.

۲- مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

۳- رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی.
 ۴- مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضائی است.

دوم: شرایط ضابط خاص نظامی

شرایط لزوم کسب مهارت و تحصیل کارت ضابطیت که برای ضابط عام نظامی ذکر شد، برای ضابط خاص نظامی هم باید فراهم باشد. همچنین شرط وثاقت با توضیحی که در آنجا ارائه شد. لزوم وجود این شرایط برای ضابطان خاص نظامی، با توجه به اینکه در قانون، تفکیک صریحی بین ضابط عام و خاص نظامی نشده است، بسیار واضح است زیرا شرایطی را که مقنن ذکر کرده (م ۶۰۳ ق) کلی و عمومی است.

سوم: صلاحیت ضابط خاص نظامی

صلاحیت ضابط خاص نظامی نیز همانند صلاحیت ضابط خاص دادگستری، استثنائی است لذا محدود به مواردی است که در قوانین پیش بینی شده است. اعم از قانون عام و خاص. قانون عام مثل بند ۱ ماده ۶۰۳ ق و موارد مذکور در تبصره ۱ این ماده.

۶. محدودیت‌های قاضی و ضابط

اختیارات ضابطان در مواجهه با جرم و متهم و اختیارات قضات در ارجاع امور مربوط به رسیدگی کیفری به ضابطان، مطلق نیست بلکه با محدودیت‌هایی مواجه است که به تفکیک ذکر می‌شود.

۶.۱. محدودیت قاضی

در اینجا دو امر به عنوان امر محدودکننده قاضی در ارجاع امر به ضابط ذکر می‌شود.

یکم: محدودیت ارجاع به ضابط دارای شرایط

منظور از ضابط دارای شرایط، ضابطی است که شرایط سه گانه پیش گفته را دارا باشد. قاضی می‌تواند برخی امور را به این‌گونه ضابطان ارجاع دهد. تبصره ماده ۳۲ ق مقرر داشته: «ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.» منظور از ضابط تلقی نشدن در این تبصره اعم است از

اینکه مرجع ارجاع شونده اصلاً ضابط نباشد یعنی مشمول تعریف مواد ۲۹، ۶۰۲ و ۶۰۳ قی نباشد، یا اینکه شرایط ضابط را نداشته باشد. شمول تعبیر «ضابط تلقی نشدن» نسبت به اشخاصی که اصلاً ضابط نیستند واضح است؛ اما شمول آن نسبت به کسانی که فاقد شرایط هستند، بر اساس ماده ۳۰ ق می باشد زیرا در این ماده، احراز عنوان ضابط، منوط به آن شرایط دانسته شده است. بنابر این اگر مثلاً افسر نیروی انتظامی، کارت ضابطیت نداشته باشد و امر تحقیقات به وی ارجاع شود، تخلف موضوع تبصره ماده ۳۲ ق تحقق یافته است که عبارت است از محکومیت انتظامی تا درجه چهار.

این امر (لزوم ارجاع به ضابط دارای شرایط) اعم است از اینکه پرونده در مرحله تعقیب باشد، یا در مرحله تحقیق و یا در مرحله رسیدگی در دادگاه؛ زیرا تعبیر «مقام قضائی» در تبصره ماده ۳۲ ق عام بوده هم شامل مقام تعقیب می شود، هم شامل مقام تحقیق و هم شامل دادرسی می باشد.

دوم: محدودیت ارجاع به غیر از جرائم بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ ق.ا.د.ک

مقام تحقیق، نسبت به جرائم مهم باید شخصاً تحقیقات را انجام دهد. (بنابر مستفاد از م ۹۸ ق) منظور از جرائم مهم عبارتند از: الف: جرائم موجب سلب حیات ب: جرائم موجب حبس ابد پ: جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جرم عمدی موجب حداقل نصف دیه کامل ت: جرائم موجب مجازات درجه سه و بالاتر (بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ ق) در این جرائم، مقام تحقیق فقط می تواند از همکاری ضابطان استفاده کند. (تبصره م ۹۸ ق)

۶.۲. محدودیت های ضابط

امور موجب محدودیت ضابطان، سه امر به شرح زیر می باشد.

یکم: محدودیت به نظارت استصوابی دادستان

ضابطان دادگستری باید اقدامات خود را تحت نظارت دادستان به انجام برسانند (م ۲۸ ق) این نظارت صرفاً جهت اطلاع (استطلاعی) نیست همچنین جهت استحضار (استحضاری) نیست؛ بلکه استصوابی است یعنی ضابطان باید آن گونه که دادستان آن را صحیح می داند و تعیین می کند اقدام کنند. زیرا مقنن پس از ذکر لزوم اقدام، تحت نظر دادستان، لزوم اقدام، تحت تعلیمات دادستان را

ذکر کرده است که این امر مبین آن است که دادستان وظیفه دارد نظارت را به گونه‌ای انجام دهد که ایرادات و اشکالاتی که متوجه اقدامات ضابطان است را با تعلیم و آموزش برطرف کند. قابل ذکر است که ضابطان علاوه بر وظایف ضابطیت، وظایف بسیار دیگری هم به عهده دارند. تحت نظارت و تعلیمات دادستان بودن و در بخش‌ها تحت نظارت رئیس حوزه قضایی بخش بودن، اختصاص دارد به وظایفی که ضابطان تحت عنوان ضابط بر عهده دارند؛ اما نسبت به وظایف دیگر تحت نظارت مقام قضایی قرار نمی‌گیرند.

دوم: محدودیت به قانون

اختیارات ضابطان دادگستری صرفاً در محدوده قانون است به این معنا که در راستای وظایف خود فقط به موجب قانون می‌توانند اقدام کنند. (ماده ۲۸ق) یعنی ضابط گرچه وظیفه کشف جرم و غیره که در ماده مذکور شمارش شده است، را دارد، لکن برای انجام وظایف مذکور حق ندارد، خارج از چارچوب قانون رفتار کند بلکه باید «به موجب قانون» اقدام کند. مثلاً اگر برای کشف جرم یا جمع‌آوری ادله آن یا دستگیری متهم لازم باشد به حریم خصوصی اشخاص وارد شود، این امر باید به موجب قانون باشد. قانون برای ورود مذکور شرایطی را ذکر کرده است از جمله این که باید تحت نظارت مقام قضایی باشد (م ۴ق) و باید با اجازه موردی باشد. (م ۵۵ق) این شرایط باید رعایت شود.

سوم: محدودیت به موارد معین

مواردی که ضابطان به عنوان ضابطیت باید انجام دهند، در قانون شمارش شده است که عبارتند از: ۱- کشف جرم. ۲- حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم. ۳- شناسایی متهم و یافتن او و جلوگیری از فرار و مخفی شدن وی. ۴- تحقیقات مقدماتی. ۵- ابلاغ اوراق قضایی. ۶- اجرای تصمیمات قضایی (م ۲۸ق)



نتیجه‌گیری

از بین دو مدل و الگوی عمودی (سلسله مراتبی) و افقی (شبکه‌ای)، ارتباط ضابط و قاضی، مدل عمودی که به مدل سلسله مراتبی شناخته شده است، تا حدود زیادی می‌تواند حافظ حقوق به رسمیت شناخته شده و قانونی متهمان باشد. قانون اساسی و قوانین عادی - از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - تصریحات و مقرراتی را مطرح کرده‌اند که مقتضی رابطه سلسله مراتبی بین نهاد قضایی و نهاد پلیس است. در قانون آیین دادرسی کیفری، این وضعیت پذیرفته شده است و بر ارتباط عمودی که ضابطان را تحت نظارت و تعلیمات مقام‌های قضایی و به طور خاص، دادستان، قرار داده و رابطه آمریت و مأموریت بین قاضی و ضابط برقرار می‌سازد، صحه گذاشته شده است؛ به این بیان که انواع ضابط قضائی، مورد شناسایی قرار گرفته و به دو قسم کلی ضابطان دادگستری و ضابطان نظامی تقسیم شده‌اند و هر یک نیز به ضابط عام و خاص تقسیم شده‌اند. مصادیق و وظایف هر یک از آنان معین و تعریف و حدود و ثغور نظارت و تعلیمات مقام قضائی نسبت به آنان مشخص شده است. عدم توجه به وضعیت الزامی مذکور، موجب پدیداری ایراد و اشکالی جدی شده است تا جائی که علاوه بر انعکاس آن در اظهارات رؤسای ادوار مختلف قوه قضائیه، حتی در ماههای گذشته، در کلام رهبری نیز به صورت صریح، مطرح شده است: «دستگاه قضایی نیز نباید تحت تأثیر ضابط باشد بلکه باید به صورت مستقل به مسائل رسیدگی کند.» بنابر این بدون اینکه با خلأ یا ابهام قانونی در نوع ارتباط قاضی و ضابط مواجه باشیم، ارتباط مذکور، از الزامات قانونی، فاصله بسیار گرفته است. راه حل مسئله و رفع ایراد و اشکال مزبور، در نظم حقوقی کنونی، تنها بازگشت به قانون است.

منابع و مأخذ

قوانین:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸
۲. قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱
۳. قانون اصلاح منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸
۴. قانون ایمنی راه‌ها مصوب ۱۳۴۹
۵. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۶. قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴
۷. قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب ۱۳۷۲
۸. قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱
۹. قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴
۱۰. قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها مصوب ۱۳۴۶
۱۱. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳
۱۲. قانون حفظ و گسترش فضای سبز مصوب ۱۳۵۹
۱۳. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴
۱۴. قانون دریایی ایران، اصلاحی ۱۳۹۱
۱۵. قانون سازمان آب و برق مصوب ۱۳۴۶
۱۶. قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶
۱۷. قانون کار مصوب ۱۳۶۹
۱۸. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲
۱۹. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲
۲۰. قانون هواپیمایی کشور مصوب ۱۳۲۸
۲۱. ماده واحده لایحه قانونی راجع به مامورین سازمان قند و شکر که مامور کشف و تعقیب جرائم مربوط به اخلاگران در امر عرضه، توزیع و یا فروش قند و شکر میشوند مصوب ۱۳۵۹



کتاب:

۱. آشوری، محمد، (۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری (جلد اول)، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.
۲. خالقی، علی، (۱۳۹۷)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات شهر دانش.
۳. رحمدل، منصور، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری (جلد دوم)، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر.
۴. صبری، نورمحمد، (۱۳۹۹)، آیین دادرسی کیفری (جلد دوم)، چاپ اول، تهران: انتشارات مساوات.
۵. مصدق، محمد، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری بر مبنای قانون جدید مصوب ۱۳۹۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
۶. منصورآبادی، عباس؛ فروغی، فضل‌الله، (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری (جلد اول)، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

مقاله:

۷. شیدائیان، زینب؛ عبداللهی نیستانی، علی، (۱۳۸۹)، «بررسی مدل ارتباط سلسله مراتبی میان دادسرا و پلیس در فرایند کیفری»، پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره بیست و نهم، زمستان، ص ۴-۶
۸. شیدائیان، زینب، (۱۴۰۰)، «مؤلفه‌های مدل مطلوب روابط دادسرا و پلیس در نظام دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴، تابستان ۱۴۰۰، ص ۲۴۵ تا ۲۷۳.
۹. موزن زادگان، حسنعلی؛ غلامی، نبی‌الله، (۱۳۹۵)، «سازوکارهای نظارت فعال غیرقضایی بر اقدامات ضابطان دادگستری»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هشتم، شماره اول، بهار، ص ۱۸۵ تا ۲۲۲.
۱۰. مهدوی ثابت، محمدعلی و دیگران، (۱۳۹۸)، «نقد و بررسی مدل ارتباطی شبکه‌ای میان دادسرا و پلیس در فرایند کیفری»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان، ص ۲۱۳ تا ۲۳۸.

منابع اینترنتی

۱۱. انصاف نیوز، ۱۹ شهریور ۱۴۰۰، نهادهای امنیتی و قضایی در برابر شهروند مداری، تاریخ مشاهده ۱۴۰۱/۹/۱۰
۱۲. خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۱۴۰۱۰۴۱۴۰۹۸۳۳، تاریخ انتشار: ۱۴ تیر ۱۴۰۱، تاریخ مشاهده ۱۴۰۱/۹/۱۰
۱۳. سایت رهبری، کد خبر: ۵۰۵۳۹، تاریخ انتشار: ۷ تیر ۱۴۰۱، تاریخ مشاهده ۱۴۰۱/۹/۱۰

Recognizing the communication model of judge and judicial officer in the criminal system

Syed Fazel Noori¹

Nastaran Aghae²

Abstract:

According to clear legal regulations, including the Criminal Procedure Code, criminal proceedings are exclusively borne by judicial authorities. These authorities enjoy the assistance and cooperation of law enforcement officers to perform their legal duties. In this situation, the role of the element of crime detection in the relationship between judge and law enforcement is very important. Crime detection, which is the initial step in criminal proceedings, firstly is considered as one of the duties of the judiciary (Article 156(4) of the Constitution and Article 22 of the Code of Criminal Procedure 2013) Moreover, the duties of law enforcement officers, especially general and military law enforcement officers, have been enshrined in Articles 28 and 602 of the Criminal Procedure Code and Article 4 of the Act on the Police Force of the Islamic Republic of Iran. and thirdly, because of the high level of contact law enforcement officers have and the availability of capabilities, it is in the power of these officers to assist the said authorities. In addition, they must perform the legally prescribed and judicially assigned duties under the supervision and instruction of the judicial authorities (the same articles from the Criminal Procedure Act). It is in this system that the communication model between judges and law enforcement officers becomes important. There are two models in this connection, the network model (horizontal) and the hierarchical model (vertical). This article seeks to re-examine the model and qualities that are deemed desirable by the legislator based on which it turns out that the concerns of certain high-ranking judicial authorities and even the Leader regarding the interaction between the judge and the law enforcement officers, and sometimes the inverse nature of the said relationship, are due to disregarding the model desired by the legislator.

KeyWords: law enforcement officer, judicial supervision, a card identifying an individual as a law enforcement officer, hierarchical and network communication models, the perspective of judicial authorities regarding the interactive relationship between judges and law enforcement officers.

-
1. Member of the scientific faculty of the Iranian law and legal research institute, Tehran· Iran, (Email: 210noori@gmail.com)
 2. Researcher at Iranian law and legal research institute, Tehran ·Iran, (Email: nastaran.aghaee77@gmail.com)

